

## کسانی که از رحمت الهی به دور هستند



خداوند در چندین آیه افرادی را بیان می‌دارد که از رحمت الهی بدور هستند. در این آیات دوری از رحمت الهی را با لفظ لعن بیان می‌دارد.

لعن در لغت به معنی "طرده و دور ساختن" است و هنگامی که به خدا نسبت داده شود به معنی محروم ساختن از رحمتش می‌باشد. در قرآن افراد و گروه‌های زیادی مورد لعن قرار گرفته‌اند. از جمله:

کتمان‌کنندگان آیات الهی (بقره ۱۵۹)، مؤمنین به جبت و طاغوت (نساء ۵۱ و ۵)، قاتل مؤمن (نساء ۹۳)، آزار دهنندگان خدا و رسول (احزاب ۵۷)، ابلیس (ص ۷۸)، دروغگویان (آل عمران ۶۱) و...

یکی از گروه‌هایی که در قرآن مورد لعن قرار گرفته‌اند، بنی اسرائیلیان پیمان شکن هستند: "فَبِمَا نَقَضْتُمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَ جَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَ نَسُوا حَظًّا مِمَّا دُكِّرُوا بِهِ وَ لَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ)" اما بخاطر پیمان شکنی، آنها را از رحمت خویش دور ساختیم و دل‌های آنها را سخت و سنگین نمودیم (تا آنجا که) سخنان (خدا) را از مورد خود تحریف می‌کنند و بخشی از آنچه را به آنها گوشزد شده بود فراموش کردند و هر زمان به خیانتی (تازه) از آنها آگاه می‌شوی، مگر عده کمی از آنها، ولی از آنها در گذر و صرف نظر کن که خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد). (مائده ۱۳)

خداوند سزای کفر و قدر ناشناسی نسبت به میثاق گرفته شده از ایشان را لعنت و تقسیه قلوب بیان می‌کند که این دو را به خودش نسبت داده، چون این دو نعمت در واقع کار خود او است و بعضی دیگر را به خود بنی اسرائیل نسبت داده، همه اینها کیفر همه کفران‌های آنان است، که در رأس آنها کفر به میثاق است، و علی‌کیفر تنها کفر به میثاق است، برای اینکه سایر کفرهاشان درون این یک کفر خوابیده، هم چنان که سایر کیفرهاشان درون کیفر آن نهفته است.

لعن به معنای دور کردن کسی از رحمت خدا است و کلمه "قاسیه" اسم فاعل از "ماده قسی" است و این ماده به معنای سفتی و سختی است، و قساوت قلب از قسوت سنگ که صلابت و سختی آن است گرفته شده، و قلب قسی (با قساوت) آن قلبی است که در برابر حق خشوع ندارد، و تأثیری بنام رحمت و رقت به آن دست نمی‌دهد.

در قرآن افراد و گروه‌های زیادی مورد لعن قرار گرفته‌اند. از جمله: کتمان‌کنندگان آیات الهی (بقره ۱۵۹)، مؤمنین به جبت و طاغوت (نساء ۵۱ و ۵۲)، قاتل مؤمن (نساء ۹۳)، آزار دهنندگان خدا و رسول (احزاب ۵۷)، ابلیس (ص ۷۸)، دروغگویان (آل عمران ۶۱) و...

اما این پیمانی که به سبب شکستن آن دچار این کیفرها شدند چه بوده است؟

در آیه قبل آمده است " وَ لَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ بَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلاةَ وَ اتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَ آمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَ عَزَرْتُمْهُمْ وَ أَرْضْتُمْ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ لَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ " (خدا از بنی اسرائیل پیمان گرفت، و از آنها دوازده رهبر و سرپرست برانگیختیم و خداوند (به آنها) گفت من با شما هستم، اگر نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید و به رسولان من ایمان بیاورید و آنها را یاری کنید و بخدا قرض الحسن بدهید (در راه او به نیازمندان کمک کنید) گناهان شما را می‌پوشانم (می‌بخشم) و شما را در باغهای بهشت که نهرها از زیر درختان آن جاری است وارد می‌کنم، اما هر کس بعد از این کافر شود از راه راست منحرف گردیده است) (مائده ۱۲)

یکی دیگر از آیاتی که در آن لعن مطرح شده در سوره آل عمران است:

" كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَ شَهِدُوا أَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ وَ جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ. أُولَئِكَ جَزَاؤُهُمْ أَنْ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ. خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَ لَا هُمْ يُنظَرُونَ. إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَ أَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ " (چگونه خداوند جمعیتی را هدایت می‌کند که بعد از ایمان و گواهی به حقانیت رسول و آمدن نشانه‌های روشن برای آنها، کافر شدند؟! و خدا، جمعیت ستمکاران را هدایت نخواهد کرد! کیفر آنها، این است که لعن (و طرد) خداوند و فرشتگان و مردم همگی بر آنهاست. همواره در این لعن (و طرد و نفرین) می‌مانند، مجازاتشان تخفیف نمی‌یابد، و به آنها مهلت داده نمی‌شود.. مگر کسانی که پس از آن، توبه کنند و اصلاح نمایند، (و در مقام جبران گناهان گذشته برآیند، که توبه آنها پذیرفته خواهد شد)، زیرا خداوند، آمرزنده و بخشنده است) (آل عمران ۸۶ الی ۸۹)

درباره شأن نزول آن گفته شده یکی از انصار به نام " حارث بن سوید " دستش به خون بی گناهی به نام " محذر بن زیاد " آلوده گشت و از ترس مجازات از اسلام برگشت و به مکه فرار کرد . سپس از کار خود سخت پشیمان گشت و در اندیشه فرو رفت که در برابر این جریان چه کند .

بالاخره فکرش به اینجا رسید که یک نفر را به سوی خویشان خود به مدینه بفرستد تا از پیغمبر (صلی الله علیه و آله) سؤال کنند آیا برای او راه بازگشتی وجود دارد یا نه؟

آیات فوق نازل شد و قبولی توبه او را با شرایط خاصی اعلام داشت .

" حارث بن سوید " خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله) رسید و مجدداً اسلام آورد.

خداوند سزای کفر و قدر ناشناسی نسبت به میثاق گرفته شده از ایشان را لعنت و تقسیه قلوب بیان می‌کند که این دو را به خودش نسبت داده، چون این دو نعمت در واقع کار خود او است و بعضی دیگر را به خود بنی اسرائیل نسبت داده، همه اینها کیفر همه کفرانهای آنان است، که در رأس آنها کفر به میثاق است، و یا کیفر تنها کفر به میثاق است، برای اینکه سایر کفرهاشان درون این یک کفر خوابیده هم چنان که سایر کفرهاشان درون کیفر آن نهفته است

" مرتد " یعنی کسی که اسلام را پذیرفته و سپس از آن بازگشته، بر دو قسم است : " مرتد فطری " و " مرتد ملی "

مرتد فطری به کسی گفته می‌شود که از پدر و یا مادر مسلمان تولد یافته و یا به قول بعضی در حالی که نطفه او منعقد شده پدر و یا مادرش مسلمان بوده‌اند و سپس او اسلام را پذیرفته و بعداً از آن برگشته است. ولی مرتد ملی به کسی گفته می‌شود که از پدر و مادر مسلمان تولد نیافته، بلکه خود بعد از بلوغ اسلام را پذیرفته و سپس از آن باز گشته است.

توبه مرتد ملی پذیرفته می‌شود و در حقیقت مجازات او خفیف است زیرا او مسلمان زاده نیست ولی در مورد "مرتد فطری" حکم از این شدیدتر و سخت‌تر است؛ گرچه توبه او در واقع و در پیشگاه خداوند پذیرفته می‌شود ولی اگر وضع او در دادگاه اسلام ثابت شود محکوم به اعدام خواهد شد و اموال او به عنوان ارث به ورثه مسلمان او می‌رسد و همسر او از او جدا خواهد شد و حتی توبه کردن او نمی‌تواند جلو این احکام شدید را بگیرد! ولی همانطور که گفتیم این سختگیری تنها در مورد مرتد فطری آن هم در صورتی است که مرد باشد.

در حقیقت سختگیری این حکم یک فلسفه اساسی دارد و آن حفظ جبهه داخلی کشور اسلامی و جلوگیری از متلاشی شدن آن و نفوذ بیگانگان و منافقان است؛ زیرا ارتداد در واقع یک نوع قیام بر ضد رژیم کشور اسلامی است که در بسیاری از قوانین دنیای امروز نیز مجازات آن اعدام است اگر به افراد اجازه داده شود هر روز مایل بودند خود را مسلمان معرفی کنند و هر روز مایل نبودند استعفا دهند، به زودی جبهه داخلی اسلام از هم متلاشی خواهد شد و راه نفوذ دشمنان و عوامل و ایادی آنها باز خواهد شد و هرج و مرج شدیدی در سراسر جامعه اسلامی پدید خواهد آمد.

بنابر این حکم مزبور در واقع یک حکم سیاسی است که برای حفظ حکومت و جامعه اسلامی و مبارزه با ایادی و عوامل بیگانه ضروری است.

بخش قرآن تبیان